

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نخستین قوانین ایران پس از عصر مشروطه

.....

تدوین

گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

۱۳۹۵

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: نخستین قوانین ایران پس از عصر مشروطه/ تدوین گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۹۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۰۹-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: ایران -- قانون اساسی (مشروطه)
موضوع	: قانون اساسی -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Constitutions -- History -- Iran
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق.
موضوع	: Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909
موضوع	: Constitutions -- Iran
شناسه افزوده	: موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ / ۳۴ / ۱۴۰۷ / DSR
رده بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۵۸۰۰۷

نام کتاب	: نخستین قوانین ایران پس از عصر مشروطه
ناشر	: چتر دانش
تدوین	: گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۵
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۰۹-۷
قیمت	: ۴۲۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - کوچه نوروژ - پلاک ۱۳

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۸۹۰۵۹

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## فهرست

بخش اول: نخستین قانون اساسی ایران مصوب ۱۲۸۵ (پس از صدور فرمان مشروطیت)	
به انضمام متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۵ و فرمان مشروطیت	۱۹
فرمان مشروطیت مورخ ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴	۲۰
قانون اساسی مورخ ۱۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴	۲۲
در تشکیل مجلس	۲۲
صورت قسم‌نامه	۲۴
در وظائف مجلس و حدود و حقوق آن	۲۶
در اظهار مطالب به مجلس شورای ملی	۲۹
عنوان مطالب از طرف مجلس	۳۱
در شرایط تشکیل مجلس سنا	۳۲
کلیات	۳۵
متمم قانون اساسی مورخ ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴	۳۵
حقوق ملت ایران	۳۶
قوای مملکت	۴۰
حقوق اعضای مجلسین	۴۱
حقوق سلطنت ایران	۴۱
راجع به وزرا	۴۵
اقتدارات محاکمات	۴۸
در خصوص انجمن‌های ایالتی و ولایتی	۵۰
در خصوص مالیه	۵۱
قشون	۵۳
اصل الحاقی به متمم قانون اساسی	۵۴

بخش دوم: نخستین قانون بلدیة ایران مصوب ۱۲۸۶ شمسی	۵۵
قانون بلدیة مصوب ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری	۵۶
فصل اول: قواعد کلیه	۵۶
فصل دوم: در تشکیل انجمن بلدیة	۵۸
شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان	۵۸
فصل سوم: ترتیب و وظایف انجمن بلدیة	۶۷
فصل چهارم: اداره بلدیة	۷۶
فصل پنجم: در باب مستخدمین بلدیة	۷۹

**بخش سوم: نخستین قانون ثبت اسناد ایران مصوب ۱۲۹۰ شمسی به همراه نخستین**

**قانون سجل احوال مصوب ۱۳۰۴ شمسی..... ۸۰**

**قانون ثبت اسناد مصوب ۱۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری..... ۸۱**

۸۱ ..... باب اول: در تشکیل اداره ثبت اسناد.....

۸۱ ..... مقدمه.....

۸۲ ..... فصل اول: در مباشرین ثبت و حقوق و تکالیف آنها.....

۸۷ ..... فصل دوم: در دفتر راکد و مدیر ثبت.....

۸۸ ..... فصل سوم: در دفتر راکد کل و دفتردار کل.....

۸۹ ..... فصل چهارم: در نظارتی که نسبت به اجزای اداره ثبت اسناد به عمل می‌آید و در مسئولیت آنها.....

۹۲ ..... باب دوم: در مشاغل اداره ثبت اسناد.....

۹۲ ..... فصل اول: در مشاغل مباشرین ثبت و ترتیب انجام آن.....

۹۲ ..... قسمت اول: مواد عمومی.....

۹۴ ..... قسمت دوم: در ترتیب ثبت اسناد و اعتبار آن.....

۹۹ ..... اعتبار ثبت اسناد.....

۱۰۰ ..... قسمت سوم: در دادن صورت از دفاتر ثبت اسناد و سواد اسناد.....

۱۰۲ ..... قسمت چهارم: در تصدیقاتی که مباشرین ثبت می‌دهند.....

۱۰۵ ..... قسمت پنجم: اسنادی که در مباشرت ثبت امانت می‌گذارند.....

۱۰۶ ..... فصل دوم: مشاغل مدیرهای ثبت و دفتردار کل و ترتیب انجام آن.....

۱۰۷ ..... فصل سوم: در حقوقی که اداره ثبت دریافت می‌دارد و ترتیب آن.....

۱۰۹ ..... باب سوم: در مجازات اجزای اداره ثبت و مقرری آنان.....

۱۰۹ ..... فصل اول: در مجازات.....

۱۱۲ ..... فصل دوم: در مقرری اجزاء اداره ثبت اسناد.....

۱۱۳ ..... تعرفه اعمال اداره ثبت اسناد.....

**قانون نسخ قانون ثبت اسناد مورخه ۱۳۲۹ مصوب ۲۸ حمل ۱۳۰۲ شمسی..... ۱۱۴**

۱۱۴ ..... تنبیهات.....

**قانون سجل احوال مصوب ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۴ شمسی..... ۱۱۵**

۱۱۵ ..... فصل اول: ترتیب سجل احوال اشخاصی که قبل از تاریخ اجرای این قانون متولد شده‌اند.....

۱۱۷ ..... فصل دوم: ترتیب سجل احوال اشخاصی که از تاریخ اجرای این قانون به بعد متولد می‌شوند.....

۱۱۹ ..... فصل سوم: ترتیب دفاتر سجل احوال.....

۱۲۰ ..... فصل چهاردهم: مطالب متفرقه.....

**بخش چهارم: نخستین قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴ شمسی..... ۱۳۲**

قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی ماه ۱۳۰۴ - ۷ بهمن ماه ۱۳۰۴ (کمیسیون عدلیه)..... ۱۳۳

۱۳۳	..... باب اول: کلیات
۱۳۳	..... فصل اول: مواد عمومی
۱۳۴	..... فصل دوم: در انواع جرائم و مجازات
۱۳۷	..... فصل سوم: در جزایهای تبعی
۱۳۷	..... فصل چهارم: در شروع به جرم
۱۳۸	..... فصل پنجم: در تکرار جرم
۱۳۹	..... فصل ششم: در شرکاء و معاونین مجرم
۱۴۰	..... فصل هفتم: در تعدد جرم
۱۴۰	..... فصل هشتم: در شرایط و موانع مجازات
۱۴۲	..... فصل نهم: در تخفیف و تعلیق و اسقاط و تبدیل مجازات
۱۴۵	..... فصل دهم: در وسائل جلوگیری از محکومیت و رفع اثرات آن
۱۴۵	..... مبحث اول: در عفو عمومی
۱۴۵	..... مبحث دوم: در عفو و تخفیف مجازات
۱۴۶	..... مبحث سوم: در اعاده حیثیت
۱۴۷	..... باب دوم: در جنحه و جنایاتی که مضر به مصالح عمومی است
۱۴۷	..... فصل اول: در جنحه و جنایت بر ضد امنیت مملکت
۱۴۷	..... مبحث اول: در جنحه و جنایت بر ضد امنیت خارجی مملکت
۱۴۹	..... مبحث دوم: جنحه و جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت
۱۵۲	..... مبحث سوم: در سوء قصد نسبت به رئیس مملکت
۱۵۳	..... فصل دوم: در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی
۱۵۶	..... فصل سوم: در جنحه و جنایت بر ضد آسایش عمومی
۱۵۶	..... مبحث اول: در سکه قلب
۱۵۷	..... مبحث دوم: در جعل و تزویر
۱۶۰	..... مبحث سوم: در محو یا شکستن مهر و سرقت نوشتجات از اماکن دولتی
۱۶۱	..... مبحث چهارم: در فرار مجوسین قانونی و اخفاء مقصرین
۱۶۴	..... مبحث پنجم: در غضب عناوین و مشاغل
۱۶۴	..... مبحث ششم: در تخریب ابنیه و آثار
۱۶۵	..... فصل چهارم: در تقصیرات مأمورین دولتی
۱۶۵	..... مبحث اول: در تجاوز مأمورین دولتی از حدود مأموریت خود و تقصیراتشان در اداء وظیفه
۱۶۶	..... مبحث دوم
۱۶۶	..... ۱- در تعدیات مأمورین دولتی نسبت به افراد
۱۶۸	..... ۲- در رشوه
۱۷۰	..... ۳- در امتناع از انجام وظایف قانونیه
۱۷۱	..... مبحث سوم: در تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت

۱۷۱	۱- اختلاس اموال دولتی و خیانت مأمورین .....
۱۷۳	فصل پنجم: در جنحه و جنایت نسبت به مأمورین دولت .....
۱۷۳	مبحث اول: در تمرد نسبت به مأمورین دولت .....
۱۷۴	مبحث دوم: در هتک حرمت نسبت به نمایندگان ملت و مأمورین دولتی .....
۱۷۵	فصل ششم: در اجتماع و مواضعه برای ارتکاب جرائم .....
۱۷۷	باب سوم: در جنحه و جنایات نسبت به افراد .....
۱۷۷	فصل اول: در قتل و جرح و ضرب .....
۱۸۲	فصل دوم: در توقیف و حبس غیر قانونی .....
۱۸۳	فصل سوم: در جنحه و جنایت نسبت به اطفال .....
۱۸۵	فصل چهارم: مخالفت با مراسم دفن اموات .....
۱۸۵	فصل پنجم: هتک ناموس و منافیات عصمت .....
۱۸۷	فصل ششم: در شهادت کذب و قسم دروغ و افشاء سرّ .....
۱۸۹	فصل هفتم: در سرقت .....
۱۹۲	فصل هشتم: در تهدید و اکراه .....
۱۹۳	فصل نهم: در ورشکستگی و کلاهبرداری .....
۱۹۴	فصل دهم: خیانت در امانت .....
۱۹۵	فصل یازدهم: دسیسه و تقلب در کسب و تجارت .....
۱۹۷	فصل دوازدهم: در حرق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات .....
۲۰۰	فصل سیزدهم: در هتک حرمت منازل و املاک غیر .....
۲۰۱	فصل چهاردهم: در افتراء و توهین و هتک حرمت .....
۲۰۲	فصل پانزدهم: در ولگردی و استعمال علنی الکل و سایر مواد مخدره .....
۲۰۳	باب چهارم: در امور خلافها و مجازات آنها .....
۲۰۳	باب پنجم: مقررات مختلفه .....
۲۰۴	ماده الحاقیه .....

### **بخش پنجم: نخستین قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳، ۱۳۰۴ شمسی به همراه نخستین**

#### **قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۲۹۴ شمسی .....**

#### **قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ شمسی .....**

۲۰۶ ..... باب اول: تجار و معاملات تجارته

۲۰۷ ..... باب دوم: دفاتر تجارته

۲۱۰ ..... باب سوم: شرکت‌های تجارته

۲۱۰ ..... فصل اول: در اقسام مختلف شرکت و قواعد راجعه به آنها .....

۲۱۰ ..... مبحث اول: شرکت سهامی .....

۲۲۴ ..... مبحث دوم: شرکت ضمانتی .....

۲۲۷	.....	مبحث سوم: شرکت مختلط
۲۳۲	.....	فصل دوم: شرکتهای تعاونی
۲۳۳	.....	فصل سوم: در مقررات راجعه به نشر شرکت نامه‌ها
۲۳۶	.....	فصل چهارم: در تصفیه امور شرکتهای
۲۳۹	.....	فصل پنجم: مقررات مختلفه
۲۴۰	.....	باب چهارم: دلالی
۲۴۳	.....	باب پنجم: برات - فته طلب - چک
۲۴۳	.....	فصل اول: برات
۲۴۳	.....	مبحث اول: صورت برات
۲۴۴	.....	مبحث دوم: در قبول و نکول
۲۴۵	.....	مبحث سوم: در قبولی شخص ثالث
۲۴۶	.....	مبحث چهارم: در وعده برات
۲۴۶	.....	مبحث پنجم: ظهرنویسی
۲۴۷	.....	مبحث ششم: در مسئولیت
۲۴۷	.....	مبحث هفتم: در پرداخت
۲۵۰	.....	مبحث هشتم: تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۲۵۱	.....	مبحث نهم: حقوق و وظایف دارنده برات
۲۵۴	.....	مبحث دهم: در اعتراض (پروتست)
۲۵۵	.....	مبحث یازدهم: برات رجوعی
۲۵۷	.....	فصل دوم: در فته طلب
۲۵۸	.....	فصل سوم: چک
۲۵۹	.....	فصل چهارم: در مرور زمان
۲۵۹	.....	ماده الحاقیه
۲۶۰	.....	باب ششم: در ورشکستگی
۲۶۰	.....	فصل اول: در کلیات
۲۶۰	.....	فصل دوم: در اعلام ورشکستگی و اثرات آن
۲۶۲	.....	فصل سوم: در تعیین عضو ناظر
۲۶۳	.....	فصل چهارم: در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۲۶۴	.....	فصل پنجم: در تعیین و تبدیل اعضاء هیأت تصفیه
۲۶۶	.....	فصل ششم: در وظایف هیأت تصفیه
۲۶۶	.....	مبحث اول: در کلیات
۲۶۸	.....	مبحث دوم: در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی
۲۶۹	.....	مبحث سوم: در فروش اموال و وصول مطالبات
۲۷۰	.....	مبحث چهارم: در اقدامات تأمینیه

۲۷۰	مبحث پنجم: در تشخیص مطالبات طلبکارها
۲۷۴	فصل هفتم: در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۲۷۴	مبحث اول: در دعوت طلب کارها و مجمع عمومی آنها
۲۷۴	مبحث دوم: در قرارداد ارفاقی
۲۷۴	فقره اول: در ترتیب قرارداد ارفاقی
۲۷۷	فقره دوم: در اثرات قرارداد ارفاقی
۲۷۸	فقره سوم: در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی
۲۸۰	مبحث سوم: در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی
۲۸۳	فصل هشتم: در اقسام مختلفه طلب کارها و حقوق هر یک از آنها در صورت ورشکستگی
۲۸۳	مبحث اول: در طلب کارهایی که رهینه منقول دارند
۲۸۴	مبحث دوم: در طلب کارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند
۲۸۵	فصل نهم: در تقسیم بین طلب کارها و فروش اموال منقول
۲۸۶	فصل دهم: در دعوی استرداد
۲۸۸	فصل یازدهم: در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
۲۸۹	باب هفتم: در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
۲۸۹	فصل اول: در ورشکستگی به تقصیر
۲۹۱	فصل دوم: در ورشکستگی به تقلب
۲۹۲	فصل سوم: در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند
۲۹۴	فصل چهارم: در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته، در صورت ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب
۲۹۴	باب هشتم: در اعاده اعتبار
۲۹۸	<b>قانون علامات صنعتی و تجارتي مصوب ليله ۹ برج حمل ۱۳۰۴ شمسی</b>
۳۰۴	<b>قانون محاکم تجارت مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۲۴ شعبان ۱۳۳۳ قمری</b>
۳۰۴	فصل اول: در تشکیل محاکم تجارت
۳۰۸	فصل دوم: در صلاحیت محاکم
۳۱۰	فصل سوم: اصول محاکمات در محاکم تجارتي
۳۱۰	مبحث اول: در عرض حال
۳۱۰	مبحث دوم: در احضار مدعیلیه و تأمین مدعی به
۳۱۱	مبحث سوم: در رسیدگی محکمه
۳۱۲	مبحث چهارم: در دلایل
۳۱۲	مبحث پنجم: در حکم
۳۱۳	مبحث ششم: در احکام غیابی
۳۱۳	مبحث هفتم: در اظهارات عارض
۳۱۵	مبحث هشتم: در استیناف احکام محاکم تجارت
۳۱۶	مبحث نهم: در تمیز احکام محاکم تجارت



.....	خلاصه تصویبات مالی	۳۱۶
.....	قانون قبول و نکول بروات تجارنی مصوب پنجشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۲۸	۳۱۷
.....	قانون اصلاح «قانون قبول و نکول بروات» مصوب چهارم برج جوزا مطابق ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۹ قمری	۳۲۰

**بخش ششم: نخستین قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه مورخ ۱۲۹۰ شمسی..... ۳۲۱**

.....	قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه «مورخ ۲۶ رمضان و ۱۹ ذی القعدة ۱۳۲۹ قمری»	۳۲۲
.....	مواد عمومی	۳۲۲
.....	باب اول: اصول محاکمات حقوقی در محاکم صلحیه	۳۲۳
.....	فصل اول: در صلاحیت محاکم صلحیه	۳۲۳
.....	فصل دوم: در عرض حال و احضار	۳۲۷
.....	فصل سوم: در اقدامات و رسیدگی محکمه صلح	۳۳۱
.....	مبحث اول: در حضور متداعیین و رسیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکوره حق حکم را دارد	۳۳۱
.....	مبحث دوم: در رسیدگی محکمه صلح در مواردی که محکمه مذکوره فقط حق اصلاح را دارد	۳۳۴
.....	فصل چهارم: در دلائل و تحقیقات	۳۳۶
.....	مبحث اول: مواد عمومی	۳۳۶
.....	مبحث دوم: در باب شهود	۳۳۸
.....	مبحث سوم: در حلف و تحلیف	۳۴۰
.....	مبحث چهارم: در اقرار	۳۴۰
.....	مبحث پنجم: در اسناد کتبی	۳۴۰
.....	مبحث ششم: در معاینه محلی و عقیده اهل خبره	۳۴۱
.....	فصل پنجم: در تأمین مدعی به	۳۴۳
.....	فصل ششم: در حکم	۳۴۳
.....	فصل هفتم: در احکام غیابی و اعتراضات	۳۴۶
.....	فصل هشتم: در شکایت از احکام و قرارهای محاکم صلحیه	۳۴۸
.....	فصل نهم: در ترتیب رسیدگی استینافی در محکمه ابتدایی	۳۵۰
.....	فصل دهم: در تمیز احکام محاکم ابتدایی که استینافاً صادر می شود	۳۵۲
.....	فصل یازدهم: در رد و جرح امنای صلحیه	۳۵۲
.....	فصل دوازدهم: در اجرای احکام محاکم صلحیه	۳۵۴
.....	باب دوم: اصول محاکمات حقوقی در محاکم ابتداییه	۳۵۵
.....	فصل اول: در تجدید صلاحیت محاضر شرعیه و محاکم ابتدایی	۳۵۵

۳۵۵	مبحث اول: در صلاحیت محاضر شرعیه .....
۳۵۷	مبحث دوم: در صلاحیت محاکم ابتدایی .....
۳۵۹	مبحث سوم: در اختلاف حاصله از صلاحیت محاکم عدلیه و ترتیب تسویه آن در محاکم عدلیه .....
۳۶۱	فصل دوم: در وکلای متداعین .....
۳۶۴	فصل سوم: در عرایض .....
۳۶۸	فصل چهارم: در تقویم مدعی به .....
۳۶۹	فصل پنجم: در اقدامات محکمه قبل از رسیدگی به دعوا .....
۳۶۹	مبحث اول: احضار به محکمه و ابلاغ احضارنامه .....
۳۷۲	مبحث دوم: موعد احضار به محکمه .....
۳۷۴	مبحث سوم: در حضور به محکمه و انتخاب محل اقامت .....
۳۷۴	مبحث چهارم: در مقدمات کتبی دعوا .....
۳۷۵	فصل ششم: در رسیدگی به دعوا .....
۳۷۸	مبحث دوم: در دعوای متقابل .....
۳۷۹	مبحث سوم: عقیده مدعی العموم .....
۳۷۹	فصل هفتم: در ترتیبات اختصاری محاکمه .....
۳۸۱	فصل هشتم: در دلائل و تحقیقات .....
۳۸۱	مبحث اول: مواد عمومی .....
۳۸۱	مبحث دوم: در تحقیقات از اهل محل .....
۳۸۳	مبحث سوم: در اسناد کتبی .....
۳۸۳	اول: در ترتیب ابراز و خواستن اسناد کتبی .....
۳۸۶	دوم: در اعتبار اسناد کتبی .....
۳۹۰	مبحث چهارم: در اقرار .....
۳۹۱	فصل نهم: در رسیدگی به صحت دلائل .....
۳۹۱	مبحث اول: در مواد عمومی .....
۳۹۲	مبحث دوم: در معاینه محلی .....
۳۹۳	مبحث سوم: عقیده اهل خبره .....
۳۹۵	مبحث چهارم: در رسیدگی به اسناد کتبی .....
۳۹۵	اول: قواعد عمومی .....
۳۹۶	دوم: رسیدگی به اسناد در صورت اظهار تردید (شک و شبهه) در اعتبار آن .....
۳۹۸	سوم: در ادعای جعلیت اسناد .....
۴۰۱	چهارم: در تدقیق خط و مهر در مورد اظهار تردید و ادعای جعلیت .....
۴۰۳	فصل دهم: در اظهارات و تقاضاهای اتفاقی .....
۴۰۳	مبحث اول: در ایرادات .....

۴۰۵	مبحث دوم: در تأمین مدعی به .....
۴۰۵	اول: قواعد عمومی .....
۴۰۷	دوم: اقسام تأمین مدعی به .....
۴۰۸	سوم: در ترتیب توقیف اموال غیر منقوله .....
۴۰۹	چهارم: ترتیب توقیف اموال منقوله .....
۴۱۰	پنجم: در باب ضمانت .....
۴۱۲	مبحث سوم: در جلب شخص ثالث .....
۴۱۴	مبحث چهارم: دخول شخص ثالث به دعوا .....
۴۱۵	مبحث پنجم: در رد حکام عدلیه .....
۴۱۷	مبحث ششم: در توقیف و تعقیب و بطلان محاکمه .....
۴۱۸	فصل یازدهم: در حکم .....
۴۱۸	مبحث اول: در صدور حکم .....
۴۲۱	مبحث دوم: در احکام غیابی .....
۴۲۶	مبحث سوم: در اجرای موقت احکام .....
۴۲۸	باب سوم: در استیناف احکام .....
۴۲۸	فصل اول: مواد عمومی .....
۴۲۹	فصل دوم: در موعد استیناف .....
۴۳۱	فصل سوم: در عرضحال و مقدمات رسیدگی استینافی .....
۴۳۴	فصل چهارم: در شرایط و ترتیب رسیدگی استینافی .....
۴۳۵	باب چهارم: در وسایل فوق العاده برای اعتراض بر حکم .....
۴۳۵	فصل اول: در اعتراض شخص ثالث بعد از صدور حکم .....
۴۳۸	فصل دوم: در اعاده محکمه - (تجدید نظر) .....
۴۳۸	مبحث اول: در موارد اعاده محاکمه .....
۴۳۹	مبحث دوم: در موعد اعاده محاکمه .....
۴۴۰	مبحث سوم: در استدعای اعاده محاکمه و ترتیب رسیدگی .....
۴۴۲	فصل سوم: در تمیز احکام .....
۴۴۲	مبحث اول: در مواد عمومی .....
۴۴۴	مبحث دوم: در ترتیب استدعای تمیز .....
۴۴۶	مبحث سوم: در احضار متداعیین و ترتیب رسیدگی .....
۴۴۹	مبحث چهارم: در موارد نقض و ابرام .....
۴۵۲	مبحث پنجم: در اقدام محکمه تمیز بعد از نقض .....
۴۵۳	مبحث ششم: در تمیزی که از طرف مدعی العموم تقاضا می شود .....
۴۵۴	باب پنجم: در مواعد .....

۴۵۴	فصل اول: قواعد عمومی در حساب کردن مواعد .....
۴۵۵	فصل دوم: در دادن مهلت و تجدید مواعد .....
۴۵۶	باب ششم: در اجرای احکام محاکم عدلیه .....
۴۵۶	فصل اول: در قواعد عمومی .....
۴۵۶	مبحث اول: در مقدمات اجرا .....
۴۶۰	مبحث دوم: در کیفیت اجرا .....
۴۶۲	فصل دوم: در توقیف اموال منقوله .....
۴۶۲	مبحث اول: در مواد عمومی .....
۴۶۳	مبحث دوم: در ترتیب صورتی که از اموال منقوله برداشته می شود .....
۴۶۵	مبحث سوم: در تقویم اموال منقوله .....
۴۶۶	مبحث چهارم: در حفظ اموال توقیف شده .....
۴۶۸	مبحث پنجم: در توقیف اموال منقوله مدیون که در نزد اشخاص ثالث است .....
۴۶۹	فصل سوم: در توقیف اموال غیر منقوله .....
۴۶۹	مبحث اول: مواد عمومی .....
۴۷۰	مبحث دوم: در ترتیب صورت اموال غیر منقوله .....
۴۷۳	مبحث سوم: در تقویم اموال غیر منقوله .....
۴۷۴	مبحث چهارم: در حفظ مال غیر منقول توقیف شده .....
۴۷۵	فصل چهارم: در تأدیه طلب داین .....
۴۷۶	فصل پنجم: در فروش اموال توقیف شده .....
۴۷۶	مبحث اول: در فروش مال منقول .....
۴۸۰	مبحث دوم: در فروش اموال غیر منقوله .....
۴۸۴	فصل ششم: در تقسیم حاصل فروش مابین طلبکاران متعدد .....
۴۸۵	فصل هفتم: در اتخاذ وسایل برای تأدیه دین .....
۴۸۸	باب هفتم: در اصلاح و حکمیت .....
۴۸۸	فصل اول: در صلح متداعیین .....
۴۸۹	فصل دوم: در حکمیت .....
۴۹۴	باب هشتم: در مخارج عدلیه .....
۴۹۴	فصل اول: در مخارج محاکمه .....
۴۹۷	فصل دوم: در خرج اجرای حکم .....
۴۹۷	فصل سوم: در مخارج دفترخانه .....
۴۹۸	فصل چهارم: در باب اشخاصی که استطاعت تأدیه مخارج عدلیه را ندارند .....
۴۹۹	فصل پنجم: در تعلق مخارج عدلیه .....

<b>بخش هفتم: نخستین قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۹۱ شمسی</b>	<b>۵۰۱</b>
<b>قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۹ رمضان ۱۳۳۰ قمری - ۳۰ مرداد ماه ۱۲۹۱ شمسی</b>	<b>۵۰۲</b>
مقدمه.....	۵۰۲
باب اول: در تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی.....	۵۰۶
فصل اول: در اشخاصی که به تفتیش و تحقیق جرائم مأمورند.....	۵۰۶
فصل دوم: در تکالیف کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان از حیثی که از ضابطين عدلیه محسوبند.....	۵۰۶
فصل سوم: در صاحب منصبان و رؤساء بریکاد ژاندارم و امنیه.....	۵۰۹
فصل چهارم: در حدود اختیارات مدعی العموم محکمه ابتدایی و مستنطق.....	۵۱۰
مبحث اول: در حدود اختیارات مدعی العموم ابتدایی و معاون او.....	۵۱۰
مبحث دوم: در حدود اختیارات مستنطق.....	۵۱۲
فصل پنجم: در تحقیقات مقدماتی.....	۵۱۴
مبحث اول: در صلاحیت مستنطقین.....	۵۱۴
مبحث دوم: در مواردی که مستنطق به شروع در تحقیقات مکلف است.....	۵۱۵
مبحث سوم: در تحقیقات مستنطق.....	۵۱۸
مقاله اول: در معاینات محلی.....	۵۱۸
مقاله دوم: در تفتیش منزل و تحصیل آلات و ادوات جرم و اسباب تحقیقه.....	۵۲۲
مبحث چهارم: در احضار و استنطاق متهم.....	۵۲۵
مبحث پنجم: در اقداماتی که برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می آید.....	۵۲۹
مبحث ششم: در احضار شهود تحقیق و مطلعین و استنطاق آنان.....	۵۳۲
مبحث هفتم: در تحقیقات محلی.....	۵۳۵
باب دوم: در قرار جلب به محاکمه یا منع آن.....	۵۳۶
فصل اول: در اوامر مستنطق و مدعی العموم.....	۵۳۶
محکمه ابتدایی پس از ختم تحقیقات.....	۵۳۶
فصل دوم: در رسیدگی محکمه استیناف در موارد اختلاف بین عقیده مدعی العموم ابتدایی و مستنطق.....	۵۴۰
باب سوم: در محاکم جزایی خلاف و جنحه و جنایت.....	۵۴۱
فصل اول: در صلاحیت محاکم جزایی.....	۵۴۱
فصل دوم: در رفع اختلافات راجعه به صلاحیت.....	۵۴۵
فصل سیم: در احاله دعوی جزایی از محکمه به محکمه.....	۵۴۵
فصل چهارم: در رسیدگی محاکم صلحیه.....	۵۴۶
مبحث اول: در صلاحیت محاکم صلحیه در مواردی که محاکم مزبوره شروع به رسیدگی می کند.....	۵۴۶
مبحث دوم: در احضار.....	۵۴۹

۵۵۱	مبحث سیم: در تأخیر رسیدگی و اقدام در ممانعت از فرار
۵۵۳	مبحث چهارم: در رد امنای صلحیه
۵۵۳	مبحث پنجم: در ترتیب رسیدگی
۵۵۷	مبحث ششم: در حکم
۵۵۹	مبحث هفتم: در احکام غیابی
۵۶۰	مبحث هشتم: در صورت مجلسی که محاکم صلح ترتیب می دهند
۵۶۱	مبحث نهم: در شکایت از احکام غیر قطعی محاکم صلحیه
۵۶۳	مبحث دهم: در رسیدگی استینافی در محکمه جنحه
۵۶۵	مبحث یازدهم: در تمیز
۵۶۵	مبحث دوازدهم: در اجرای احکام محاکم صلحیه
۵۶۶	فصل پنجم: در رسیدگی محکمه جنحه
۵۶۶	مبحث اول: در صلاحیت محکمه جنحه و کیفیت شروع به محاکمه
۵۷۱	مبحث دوم: در محاکمه و حکم
۵۷۴	مبحث سوم: در استیناف احکام محاکم جنحه
۵۷۹	فصل ششم: در محاکم جنایی
۵۷۹	مبحث اول: در تشکیل محاکم جنایی
۵۸۰	مبحث دوم: در مقدمات محاکمه جنایی
۵۸۲	مبحث سوم: در تحقیقات و کیفیت محاکمه
۵۸۸	مبحث چهارم: در حکم و اجراء آن
۵۹۰	فصل هفتم: در محاکم جنایی اختصاص
۵۹۰	مبحث اول: در تشکیل محکمه
۵۹۱	مبحث دوم: در صلاحیت محکمه و ترتیب محاکمه
۵۹۳	باب چهارم: در تمیز احکام جزایی
۵۹۳	فصل اول: در موارد استدعای تمیز
۵۹۳	فصل دوم: در اشخاصی که می توانند تمیز بخواهند
۵۹۴	فصل سوم: در مدت و طریق استدعای تمیز
۵۹۶	فصل چهارم: در اثرات تمیز و طریق شروع به محاکمه
۵۹۸	فصل پنجم: در رد و قبول عریضه تمیزی
۵۹۹	فصل ششم: در کیفیت امر بعد از نقض و ارجاع
۶۰۰	فصل هفتم: در مواردی که مدعی العموم دیوان تمیز از احکام قطعی محاکم تالی تمیز می خواهد
۶۰۰	باب پنجم: در اعاده محاکمه یا تجدیدنظر
۶۰۲	باب ششم: در اجرای احکام و مخارج عدلیه
۶۰۲	فصل اول: در احکامی که به موقع اجرا گذاشته می شود

فصل دوم: در اشخاصی که احکام را مجری می‌دارند.....	۶۰۳
فصل سوم: در ترتیب اجرای احکام جزایی.....	۶۰۴
فصل چهارم: در خارج عدلیه.....	۶۰۶

**بخش هشتم: نخستین قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه مصوب کمیسیون عدلیه مورخ ۱۲۹۰ شمسی به همراه نخستین قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶ شمسی.....**

قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و احکام صلحیه مصوب کمیسیون عدلیه مورخ ۲۱ شهر رجب ۱۳۲۹ قمری ۲۵ تیر ماه ۱۲۹۰ شمسی.....	۶۱۳
کتاب اول: اصول تشکیلات عدلیه.....	۶۱۳
مقدمه.....	۶۱۳
باب اول: در تشکیل محاکم عمومی.....	۶۱۶
فصل اول: در محاکم صلحیه.....	۶۱۶
فصل دوم: در محاکم ابتدائیه.....	۶۱۹
فصل سوم: در محکمه استیناف.....	۶۲۲
فصل چهارم: در تشکیل دیوان تمیز.....	۶۲۳
فصل پنجم: در ترتیبات داخلی محاکم عمومی.....	۶۲۴
مبحث اول: در جلسات محاکم.....	۶۲۴
مبحث دوم: در مراتب رییس و معاونین و اعضاء.....	۶۲۷
مبحث سوم: در تقسیم کارها.....	۶۲۹
مبحث چهارم: در نظم اتاق محاکمه.....	۶۳۰
مبحث پنجم: در راپورتهای محاکم.....	۶۳۲
باب دوم: در تشکیل اداره مدعیهای عمومی.....	۶۳۴
مقدمه.....	۶۳۴
فصل اول: در تشکیل و ترکیب اداره مدعیهای عمومی.....	۶۳۵
فصل دوم: در وظایف مدعی عمومی.....	۶۳۷
مبحث اول: در امور حقوقی.....	۶۳۷
مبحث دوم: در امور جزایی.....	۶۴۳
باب سوم: در حکام و صاحب منصبان و مستخدمین علیه.....	۶۴۳
فصل اول: در شرایط و اوصاف.....	۶۴۳
فصل دوم: در نصب حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه.....	۶۴۴
فصل سوم: در عزل و حرکت حکام عدلیه و صاحب منصبان اداره مدعی العموم و مرخصی آنها.....	۶۴۶
فصل چهارم: در حقوق و حدود حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه.....	۶۴۸

۶۴۹	فصل پنجم: در نظارت به محاکم و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه
۶۵۲	فصل ششم: در مسئولیت حکام و صاحب منصبان و مستخدمین عدلیه
۶۵۶	باب چهارم: در دوایر و اشخاصی که وابسته به محاکم می باشند
۶۵۶	فصل اول: در مأمورین اجرا و مأمورین احضار و اعلام
۶۵۶	مبحث اول: در شرایط و اوصاف مأمورین اجرا
۶۵۸	مبحث دوم: در حقوق مأمورین اجراء
۶۵۹	مبحث سوم: در تکالیف مأمورین اجراء
۶۶۱	مبحث چهارم: در رئیس مأمورین اجرا
۶۶۲	مبحث پنجم: مأمورین احضار و اعلام
۶۶۲	فصل دوم: در مباشرین و دفتر راکد ثبت اسناد و مدیر ثبت
۶۶۳	فصل سوم: در منتظرین رجوع شغلی
۶۶۴	فصل چهارم: در وکلای رسمی عدلیه
۶۶۴	مبحث اول: در شرایط و اوصاف وکلای رسمی
۶۶۷	مبحث دوم: در تکلیف و کلاء
۶۷۱	قانون حکمیت مصوب لیلہ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

### **بخش نهم: نخستین قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۲۸۶ شمسی به انضمام قانون**

۶۷۸	راجع به نظارت مطبوعات مصوب ۱۳۰۱ شمسی
۶۷۹	قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری
۶۷۹	فصل اول: چاپخانه و کتابفروش
۶۸۰	فصل دوم: طبع کتب
۶۸۰	فصل سوم: روزنامجات مقررہ
۶۸۲	تعرضات
۶۸۳	روزنامه جات خارجه
۶۸۴	فصل چهارم: اعلانات
۶۸۵	دستفروش
۶۸۶	فصل پنجم: حدود تقصیر نسبت به جماعت
۶۸۷	تقصیرات نسبت به افراد
۶۹۰	توهین و مجازات آن نسبت به سلاطین خارجه و مأمورین سیاسی
۶۹۰	موادی که طبع و نشر آنها جایز نیست
۶۹۱	فصل ششم: محاکمه
۶۹۳	ضبط و حبس روزنامجات و غیره
۶۹۴	قانون راجع به نظارت مطبوعات مصوب ۱۰ عقرب ۱۳۰۱ شمسی



## سخن ناشر

تاریخ، هویت بش است و ... ساختار هر جامعه‌ای با ساموچی از پیشینه‌ش شکل می‌گیرد تا «باشندگان» امروزش به‌پشتوانی آن، به سامان سازند شرایط را برای «آیندگانی» که در آینده، به‌دآوری می‌نشینند.

هر اجتماعی در گذرگاه تاریخ خویش، بزنگاه‌هایی دارد که رخدادهایش، تحریک‌کننده‌ی سرنوشت فردایش می‌شود. از این روی، بازنگری در احوال مردمان روزگارمان سپری شده، نه تنها آموزه‌هایی را با خود دارد، بلکه سرشار «جذاییت» و «لطف» است از چگونگی کرد و کار، روابط، زبان و ادب کلامی و نگارشی ایشان.

بی‌گفت و گو، مین کهنساله‌ما نیز با تمدنی هفت هزاره‌ای، آنگاه چنین حواشی است و ... «انقلاب مشروطه»، در زمره‌ی مهم‌ترین اتفاقات سرزمین مان است که موجب درگونی شرف و بنیادین در ساختار جامعه‌ی ایران گردید. حادثه‌ی که نه فقط بنیان «استبداد» و «خودکامگی» و «جاهلیت» سلاطین قجری را از ریشه برکند و زیر و زیر کرد، که شاهد آزادی را به مردمان چشاند و درمی به روشنی دنیایی نوین، به روی شان گشود و بایداری ایشان، موجب گردید تا «قانون»، مفهوم واقعیش را باز یافته و جماعت ایرانی، با واثرگانی نو، همچون «آزادی بیان و اندیشه»، «عدالت»، «مجلس»، «حقوق مدنی»، «مسئولیت اجتماعی» و ... آشنا شده و جایگاه راستین خود در مناسبات سیاسی و تعیین سرنوشت خویش و زادبومشان را باز شناسند.

برکنار از همه‌ی پیامدهای انقلاب مشروطه، یکی از عواملی که دست‌اندران خوانش کارنامه‌ی گذشتگان را به مطالعه‌ی این برهه از تاریخ ایران، هتیح می‌کند، زبان و ادبیات این عص است که به لحاظ تفاوت‌های فاحش اش با فرهنگ روزگار ما، جذب و کششی خاص دارد. ادبیاتی با غنایی ویژه. فرهنگی که نه تنها در گفت و شنودهای عادی آن زمانه جاری بوده، بلکه مکاتبات رسمی و حقوقی اش را نیز تحت تأثیر داشته است.

با چنین پیشگامی، انتشارات چتر دانش به عنوان نشر دهندۀ ی کتب حقوقی، با هدف آشنا نمودن نسل امروز جامعه حقوقی ایران، به ویژه جوانانی که در هیات دانشجوی حقوق، اندیشمندی پوشیدن مردای و کالت و قضاوت و . . . به سر دارند، با چند و چون تدوین و نگارش قوانین در آن عهد و باز شناخت روشن بینی نگارندگان آن، انتشار مجموعه کتاب هایی در این زمینه را در دستور کار قرار داده است. کتاب «خستین قوانین ایران پس از عص مشروطه» که مشتمل بر ۹ بخش، در گذشته نه چندان دور در ۹ مجلد در اختیار دانش پژوهان گرامی قرار گرفته همراست با اینک در دستانت شماس.

بر واضح است که قوانین مندرج در این کتاب، کلا منسوخ شده اند و باز نشر شان تنها به این دلیل است که خواندنش را از دیدگاه آشنایی با نحوه تدوین اولین قوانین حقوقی بر پایه نظام پارلمانیسم، آن هم در ایام واپس ماندگی جامعه ایران عهد قجر، برای باشندگان امروز در حلقه علم حقوق، به فایده دیدیم.

انتظار بر آن است تا اقدام انتشارات چتر دانش در نشر کتب تاریخی با مضامین حقوقی، مورد اقبال اهل حقوق و دستداران تاریخ واقع شده و فرزندان گرانسنگ در حیطه تاریخ و حقوق نیز با رهنمودها و دانش و دانسته های شان در این مقوله، ما را یاری رسان شوند تا کاستی هامان در دستیابی به هدفی که شرح اش رفت، به حداقل برسد.

**فرزاد دانشور**  
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

بخش اول:

نخستین قانون اساسی ایران

مصوب ۱۲۸۵

(پس از صدور فرمان مشروطیت) به

انضمام متمم قانون اساسی مصوب

۱۲۸۵ و فرمان مشروطیت

فرمان مشروطیت مورخ ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴



جناب فرهنگ مدظلم  
اولاً آنکه حضرت آیت الله العظمی آقا میرزا محمد تقی قزوینی

کتابت کرده و همچنین در این مباحث حقوق و فقه اسلامی ایران در سایر مباحث فقه و ادب و تالیفات و تصانیف و تالیفات

مکتوبات و برابر رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت

بر آنکه در روز پنجم شهر محرم در مجلس شورای ملی اینجانبان در بیان و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات

بمشایطت برود در روز هفدهم در این مکتوبات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات

رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت

عبیه خواهد بود رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت

در این مکتوبات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات

مکتوبات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات و تصانیف و تالیفات

نیت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت

بفرموده رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت رسالت

Handwritten signature or note on the right margin.



جناب اشرف صدر اعظم

از آنجا که حضرت بلریتعالی جل شأنه سر رشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده لهذا در این موقع که رأی و اراده همایون ما بر این تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقننه بمرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از متخین شاهزادگان قاجارید و علماء، و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف بانتهابات طبقات مرقومه در دایره الخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود که در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاکره لازم را بعمل آورده و بهیئت و زمرای دولتخواه مدارس اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خین دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصره همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای متخین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهد نمود که بصره ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نکهبان عدل ماست افتتاح و باصلاحات لازم امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر میداریم که سوار دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند تا قاطبه اهالی از نیات حسنیه ما که قلاماً مراجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما فیغی منتفع و مرفه الحال مشغول دعا گوئی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند.

در قص صاحبقرانیه بتاریخ چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما

محل صحره همایونی



## قانون اساسی مورخ ۱۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴

### در تشکیل مجلس

#### اصل اول

مجلس شورای ملی به موجب فرمان معدلت بنیان<sup>۱</sup> مورخه چهاردهم جمادی الاخر ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است.

#### اصل دوم

مجلس شورای ملی نماینده<sup>۲</sup> قاطبه<sup>۳</sup> اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی<sup>۴</sup> و سیاسی و وطن خود مشارکت دارند.

#### اصل سوم

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضائی که در طهران<sup>۵</sup> و ایالات انتخاب می شوند و محل انعقاد<sup>۶</sup> آن در طهران است.

#### اصل چهارم

عده انتخاب شوندگان به موجب انتخابنامه علیحده<sup>۷</sup> از برای طهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت عده مزبور<sup>۸</sup> تزیید<sup>۹</sup> تواند یافت الی در دست نفر.

۱- معدلت بنیان: عادل، دادگستر

۲- قاطبه: همگی، کلاً، تماماً

۳- معاشی: مربوط به معاش و زندگی

۴- طهران: تهران

۵- انعقاد: تشکیل شدن، منعقد شدن، برپایی و تشکیل

۶- علیحده: جداگانه

۷- تزیید: افزایش یافتن، زیاد شدن

### اصل پنجم

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب می‌شوند و ابتداء این مدت از مروزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر يك از منتخبین سابق را که بخواهند و از آن‌ها مراضی باشند دو باره انتخاب کنند.

### اصل ششم

منتخبین طهران لدی‌الضرورة<sup>۱</sup> حق انعقاد مجلس را داشته، مشغول مباحثه و مذاکره می‌شوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات به اکثریت مناط<sup>۲</sup> اعتبار و اجراء است.

### اصل هفتم

در موقع شروع به مذاکرات باید اقلاً دو ثلث<sup>۳</sup> از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی<sup>۴</sup> سه ربع<sup>۵</sup> از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که بیش از نصف حاضر مجلس رأی بدهند.

### اصل هشتم

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان<sup>۶</sup> که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح<sup>۷</sup> و مشغول کار شود.

۱- از برای: به مدت

۲- لدی‌الضرورة: در صورت حاضر شدن

۳- مناط: ملاک، معیار، مبنا

۴- دو ثلث: دو سوم

۵- تحصیل رأی: رأی گیری

۶- سه ربع: سه چهارم

۷- میزان: نام یکی از ماهها برابر مه‌ماه خورشیدی

۸- مفتوح شدن: دایر شدن، باز شدن



### اصل نهم

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق‌العاده منعقد تواند شد<sup>۱</sup>.

### اصل دهم

در موقع افتتاح مجلس خطابه‌ای به حضور همایونی<sup>۲</sup> عرض کرده به جواب خطابه از طرف قرین الشرف<sup>۳</sup> ملوکانه<sup>۴</sup> سرافراز و مباهی<sup>۵</sup> می‌شود.

### اصل یازدهم

اعضاء مجلس بدو که داخل مجلس می‌شوند باید به ترتیب ذیل قسم خوردند و قسم‌نامه را امضاء نمایند.

## صورت قسم‌نامه

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را بشهادت می‌طلبیم و به قرآن قسم یاد می‌کنیم ما را امر که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که به ما رجوع شده است مهما امکن<sup>۶</sup> باکمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع<sup>۷</sup> عادل منمخر<sup>۸</sup> خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران.

### اصل دوازدهم

به هیچ عنوان و به هیچ دست‌آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق نداریم

۱- منعقد تواند شد: می‌تواند دایر باشد، می‌تواند کار کند، می‌تواند تشکیل جلسه بدهد.

۲- همایونی: پادشاه

۳- قرین الشرف: دربار بزرگان به ویژه شاهان به کار می‌برند. همراه شرف، صاحب شرف

۴- ملوکانه: شاهانه

۵- مباهی: مفتخر، سرافراز

۶- مهما امکن: در حد امکان، به اندازه‌ی توانایی

۷- متبوع: آنکه از او تبعیت می‌شود.

۸- منمخر: بزرگ، بزرگوار



معرض اعضای آن بشود. اگر احياناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست<sup>۲</sup> درباره او با استحضار مجلس باشد.

### اصل سیزدهم

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجه آن‌ها به موقع اجرا گذارده تواند شد باید علنی باشد. روزنامه نویس و تماشای مطابقت نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند. تمام مذاکرات مجلس را روزنامه‌جات<sup>۳</sup> می‌توانند به طبع برسانند بدون تحریف و تعییب معنی تا عامه ناس<sup>۴</sup> از مباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند. هر کس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد<sup>۵</sup> تا هیچ امری از امور در پرده و برهیچکس مستور نماند لهذا عموم روزنامه‌جات مادامی که مندرجات<sup>۶</sup> آن‌ها محل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر این مذاکرات به طبع<sup>۷</sup> رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شد و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا همت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق<sup>۸</sup> و محاکمه و مجازات خواهد شد.

### اصل چهاردهم

مجلس شورای ملی به موجب نظامنامه علیحدّه موسوم به نظامنامه داخلی امور شخصی خود را از

۱- جنحه: جرمی که مجازات آن حبس ساده تا سه سال و جزای نقدی باشد، جرمی بالاتر از خلاف و پایین‌تر از جنایت

۲- سیاست: مجازات

۳- از برای آنکه: بابت این که، به این سبب که

۴- روزنامه‌جات: روزنامه‌ها

۵- ناس: مردم

۶- تفصیل: مفصل

۷- برنگار: بنویسد، یادداشت کند

۸- مندرجات: مطالب، نوشته‌ها

۹- اساسیه: اساسی

۱۰- طبع: چاپ

۱۱- استنطاق: بازپرسی، بازجویی



قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس<sup>۱</sup> و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات شعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد.

## در وظائف مجلس و حدود و حقوق آن

### اصل پانزدهم

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل، آنچه را صلاح ملک و ملت می‌داند پس از مذاکره و مذاقه از روی مراسمی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه همایونی<sup>۲</sup> موشح<sup>۳</sup> و به موقع اجرا گذارده شود.

### اصل شانزدهم

کلید قوانینی که برای تشدید مبنای دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس و زائرخانهها لازم است باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

### اصل هفدهم

لوايح لازم را در ایجاز قانونی یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر می‌نماید که با تصویب مجلس سنا به صحنه همایونی برساند و به موقع اجرا گذارده شود.

### اصل هیجدهم

تسویه امور مالی، جرح و تعدیل بودجه، تغییر در وضع مالیاتها و مرز و قبول عوارض و فروعات

۱- نواب رئیس: نمایان رئیس

۲- صحنه همایونی: امضای پادشاه (صحنه) امضا کردن نوشته‌ای به نشانه‌ی تأیید مضمون آن

۳- موشح: امضا شده، تأیید شده، زینت داده شده، آراسته، موشح شدن: زینت یافتن

۴- تشدید: محکم کردن، استوار کردن

۵- مجلس سنا: در دوران پهلوی غیر از مجلس شورای ملی که باید نمایندگان آن توسط مردم انتخاب شوند مجلس دیگری به نام مجلس سنا وجود داشت که نیمی از نمایندگان آن توسط شاه انتخاب می‌شدند.

هیچنان همیزی‌های جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد به تصویب مجلس خواهند بود.

#### اصل نوزدهم

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تفسیر ایالات و ممالک ایران و تحدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد.

#### اصل بیستم

بودجه هر يك از وزارتخانه‌ها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تقارن شده، پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد.

#### اصل بیست و یکم

هرگاه در قوانین اساسی و وزارتخانه‌ها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرر لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت، اعم از این که لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزرای مسئول اظهار شده باشد.

#### اصل بیست و دوم

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته می‌شود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا می‌کند به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

#### اصل بیست و سوم

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و به هر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.

۱- ممیزی: ارزیابی مالیاتی، ممیزی کردن: میزان مالیات به ویژه مالیات اراضی کشاورزی را مشخص کردن

۲- ثغور: مرزها



### اصل بیست و چهارم

بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها<sup>۱</sup> اعطای امتیازات (انحصار) تجارته و صنعتی و فلاحتی<sup>۲</sup> و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد به استثنای عهدنامه‌هایی که استتار<sup>۳</sup> آن‌ها صلاح دولت و ملت باشد.

### اصل بیست و پنجم

استقراض<sup>۴</sup> دولتی به هر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد.

### اصل بیست و ششم

ساختن راه‌های آهن یا شوسه<sup>۵</sup> خواه به خرج دولت خواه به خرج شرکت و کمپانی، اعم از داخله و خارجه منوط به تصویب مجلس شورای ملی است.

### اصل بیست و هفتم

مجلس در هر جا تقضی در قوانین یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند به وزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازم را بدهد.

### اصل بیست و هشتم

هرگاه وزیری بر خلاف یکی از قوانین موضوعه که به صحت<sup>۶</sup> همایونی رسیده‌اند به اشتباه کاری، احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مساهله<sup>۷</sup> و عدم مواظبت خود قرار دهد به حکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود.

۱- مقاوله نامه: سند قرارداد

۲- فلاحتی: کشاورزی

۳- استتار: محرمانه بودن، پنهان کردن، پوشیده داشتن

۴- استقراض: قرض گرفتن

۵- راه‌های شوسه: راه‌های شن‌ریزی شده. جاده‌های آسفالت

۶- مساهله: سهل انگاری، کوتاهی

### اصل بیست و نهم

هر وزیری که در امری از امور، مطابق قوانینی که به صحنه همایونی رسیده است از عهد<sup>۱</sup> جواب بر نیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر<sup>۲</sup> کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی<sup>۳</sup> مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکم<sup>۴</sup> علییه، ریگ به خدمت دولتی منصوب خواهد شد.

### اصل سی ام

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه به توسط هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضا که طبقات ششگانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند. وقت شرفیابی<sup>۲</sup> را باید به توسط وزین دربار از حضور مبارک استیذان نمود<sup>۳</sup>.

### اصل سی و یکم

وزراء حق دارند در اجلاس مجلس شورای ملی حاضر شده و در جائی که برای آنها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازم را از برای مذاکره و مدافعه<sup>۴</sup> امور بدهند.

## در اظهار مطالب به مجلس شورای ملی

### اصل سی و دوم

هر کس از افراد ناس می تواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفتر خانه عریض مجلس عرضه بدارد. اگر مطلب راجع به خود مجلس باشد جواب کافی به او خواهد داد و چنانچه مطلب راجع به یکی از وزائرخانهها است، بدان وزائرخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکنی بدهند.

۱- پیشگاه همایونی: حضور پادشاه. درگاه پادشاه

۲- وقت شرفیابی: زمان ملاقات با پادشاه

۳- استیذان نمودن: اجازه گرفتن

۴- مدافعه: دفاع کردن از چیزی و یا امری



### اصل سی و سوم

قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارت خانه‌های مسئول انشاء و تنقیح<sup>۱</sup> یافته به توسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم<sup>۲</sup> به مجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس به صحنه همایونی موشح گشته به موقع اجرا گذاشته می شود.

### اصل سی و چهارم

رئیس مجلس می تواند بر حسب لزوم شخصاً یا به خواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیر اجلاسی<sup>۳</sup> محرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یا اجمنی محرمانه مرکب از عدده متخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند، لیکن نتیجه مذاکرات اجمنی محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس محرمانه با حضور سه مرتب از متخبین مطرح مذاکره شده به اکثریت آراء قبول شود. اگر مطلب در مذاکرات اجمنی محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان خواهد شد و مسکوت عنه<sup>۴</sup> خواهد ماند.

### اصل سی و پنجم

اگر مجلس محرمانه به تقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند به اطلاع عموم برساند؛ لکن اگر مجلس محرمانه به تقاضای وزیر بوده است، افشای مذاکرات موقوف به اجازه آن وزیر است.

### اصل سی و ششم

هر يك از وزراء می تواند مطلبی را به مجلس اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان به تقاضای مجلس بوده باشد در این صورت استرداد مطلب موقوف به موافقت مجلس است.

۱- تنقیح: اصلاح کردن، تصحیح کردن

۲- صدراعظم: از عناوین دوره قاجاریه، معادل نخست وزیر

۳- اجلاس: جلسه

۴- مسکوت عنه: موضوعی که درباره آن سکوت می کنند.

### اصل سی و هفتم

هرگاه لایحه و زین در مجلس موقع قبول نیافت منصرف به ملاحظات مجلس عودت داده می شود<sup>۱</sup>.  
وزین مسئول پس از مرد یا قبول ایرادات مجلس می تواند لایحه مزبور را در ثانی به مجلس اظهار  
بدارد.

### اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی باید مرد یا قبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق  
ندارد ایشان را تحریض<sup>۲</sup> یا تهدید در دادن رأی خود نماید. اظهار مرد و قبول اعضای مجلس  
باید به قسمی باشد که روزنامه نویس و تماشای هم بتوانند ادراک کنند؛ یعنی، باید آن اظهار  
به علامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن.

## عنوان مطالب از طرف مجلس

### اصل سی و نهم

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد  
که اقلاً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند. در این صورت؛ آن عنوان  
کتاباً به رئیس مجلس تقدیم می شود. رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن  
تحقیق مطرح مذاقه<sup>۳</sup> قرار بدهد.

### اصل چهلم

در موقع مذاکره و مذاقه لایحه مذکور در اصل سی و نهم، چه در مجلس و چه در انجمن  
تحقیق اگر لایحه مزبور، مراجع به یکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید به وزین مسئول اطلاع  
داده که اگر بشود شخصاً و لا معاون او به مجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزین یا معاون

۱- موقع قبول نیافت: مورد تأیید قرار نگرفت

۲- عودت داده شدن: برگشت داده شدن

۳- تحریض: تحریک کردن

۴- مذاقه: دقت



او بشود. سواد<sup>۱</sup> لایحه و منضمات آنرا باید قبل از وقت از درهٔ مروالی یکماه به استثنای مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند. همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مذاقه، مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس به اکثریت آراء رسماً لایحه نگاشته، به وزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه<sup>۲</sup> را معمول داند.

#### اصل چهارم و یکم

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون<sup>۳</sup> از طرف مجلس به مصلحتی همراه نشد باید معاذیر<sup>۴</sup> خود را توجیه و مجلس را متقاعد<sup>۵</sup> کند.

#### اصل چهارم و دوم

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازهٔ اقتضاء به عهده تأخیر بیفتد<sup>۶</sup>، مگر مطالب محرمانه که مستور<sup>۷</sup> بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید.

### در شرایط تشکیل مجلس سنا

#### اصل چهارم و سوم

مجلس دیگری به عنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل می‌یابد که اجلاس آن بعد از تشکیل مقارن اجلاس مجلس شورای ملی خواهد بود.

۱- سواد: نسخه، کپی، رونوشت

۲- اقدامات مقتضیه: اقدام لازم

۳- معنون: عنوان شده، مطرح شده

۴- معاذیر: عذرها

۵- متقاعد کردن: قانع کردن

۶- به عهده تأخیر افتادن: تأخیر ایجاد شدن، دیر شدن، به تأخیر افتادن

۷- مستور: محرمانه



### اصل چهل و چهارم

نظامنامه‌های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

### اصل چهل و پنجم

اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب می‌شوند. سی نفر از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می‌یابند. پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر به انتخاب اهالی تهران پانزده نفر به انتخابات اهالی ولایات.

### اصل چهل و ششم

پس از انعقاد سنا تمام امور باید به تصویب هر دو مجلس باشد. اگر آن امور در سنا یا از طرف هیأت و زمره عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده با کثرت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس شورای ملی برسد ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان می‌شود برعکس از این مجلس به مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالی که مخصوص به مجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکور به اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات خود را به مجلس ملی اظهار نماید لیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاکره لازمه قبول یا مرد کنند.

### اصل چهل و هفتم

مادامه که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصره همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

### اصل چهل و هشتم

هرگاه مطلبی که از طرف وزیر پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا به مجلس شورای ملی مرجوع می‌شود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و شورای ملی به حکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در ماده متنازع فیها رسیدگی می‌کند نتیجه

رای این مجلس را در شورای ملی قرائت می‌کنند اگر موافقت دست داد فيها و الا شرح مطلب را به عرض حضور ملوکانه می‌رسانند. هرگاه رای مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری می‌شود اگر تصدیق نفرمودند امر به تجدید مذاکره و مذاکره خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیأت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شوماری ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی به انفصال مجلس شورای ملی صادر می‌شود و اعلیحضرت همایونی در همان حکم به تجدید انتخابات می‌فرمایند و مردم حق خواهند داشت متتبعین سابق را مجدداً انتخاب کنند.

#### اصل چهارم و هفتم

منتخبین جدید طهران باید به فاصله یکماه، و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین در الحلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد، لیکن در ماده متنازع فيها گفتگویی کنند تا منتخبین ولایات برسند. هرگاه مجلس جدید پس از حضور قلمر اعضا به اکثریت نامر همان رای سابق را امضا کرد، ذات مقدس همایونی آن رای مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر به اجرا می‌فرمایند.

#### اصل پنجاهم

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است يك نوبت امر به تجدید منتخبین بیشتر نخواهد شد.

#### اصل پنجاه و یکم

مقرر آنکه سلاطین<sup>۲</sup> اعتقاد و اخلاف<sup>۱</sup> ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشیید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معذلت و آسایش ملت برقرار و مجری فرموده و وظیفه سلطنت خود دانسته در عهد شناسند.

۱- دارالخلافه: پایتخت

۲- مادهی مُتَنَازَعُ فیها: مادهای که در مورد آن اختلاف نظر موجود است. مادهی مورد اختلاف

۳- سلاطین: جمع سلطان؛ پادشاهان

۴- سلاطین اعتقاد و اخلاف: پادشاهان آینده، بازماندگان



## متمم قانون اساسی مورخ ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴

### کلیات

#### ●●● اصل اول ●●●

مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنی عشریهٔ است. باید پادشاه ایران دمار و مروج این مذهب باشد.

#### ●●● اصل دوم ●●●

مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانهٔ و مراقبت حجج اسلامیه<sup>۱</sup> کسر الله امثالهم<sup>۲</sup> و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار موارد قانونیهٔ آن مخالفتی با قواعد مقدسهٔ اسلام و قوانین موضوعهٔ حضرت خیر الانام<sup>۳</sup> صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیهٔ بن عهد علمای اعلام ادام الله برکات وجود هم بر بوده و هست. لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیأتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعهٔ اسامی نیست نفر از علماء که دارای صفات مذکور<sup>۴</sup> باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند. پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عص، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا مواردی که در مجلسین عنوان می شود به درقت مذاکره و غور رسی<sup>۵</sup> نموده هر يك از آن موارد معنونه<sup>۶</sup> که مخالفت

۱- طریقهٔ اثناعشریه: شیعهٔ دوازده امامی

۲- خلد الله سلطانه: خداوند از سلطنت او حفاظت کند. خداوند پادشاهی او را ابدی کند.

۳- حجج اسلامیه: حجت الاسلامها

۴- کثرا الله امثالهم: خداوند امثال آنها را زیاد کند.

۵- خیر الانام: بهترین مردمان، عنوانی است برای پیامبر (ص)

۶- ادام الله برکات وجودهم: خداوند برکات حضور آنان را مستدام کند.

۷- غور رسی: مطالعه و تحقیق

۸- مُعَنُونَه: طرح شده، عنوان شده



با قواعد مقدسهٔ اسلام داشته باشد طرح و مرد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع<sup>۱</sup> و متع<sup>۲</sup> خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عص عجل الله فرجه تعیین پذیر خواهد بود.

#### اصل سیم

حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تعیین پذیر نیست مگر به موجب قانون.

#### اصل چهارم

پایتخت ایران طهران است.

#### اصل پنجم

الوان<sup>۳</sup> رسمی بیرق<sup>۴</sup> ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

#### اصل ششم

جان و مال اتباع خارجه، مقیمین خاک ایران مأمون<sup>۵</sup> و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء می کند.

#### اصل هفتم

اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست.

### حقوق ملت ایران

#### اصل هشتم

اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهد بود.

۱- مطاع: اطاعت شده، مورد اطاعت

۲- متع: تبعیت شده، آنچه از آن تبعیت و پیروی می شود.

۳- الوان: ۱. رنگ ها، ۲. رنگارنگ ۳. گوناگون ۴. اقسام، انواع

۴- بیرق: پرچم

۵- مأمون: در امان

### اصل نهم

افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می نماید.

### اصل دهم

غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمدۀ هیچکس را نمی توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمۀ عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقص فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.

### اصل یازدهم

هیچکس را نمی توان از محکمه ای که باید در باره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً به محکمۀ دیگر رجوع دهند.

### اصل دوازدهم

حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون.

### اصل سیزدهم

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است. در هیچ مسکنی قهر نمی توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

### اصل چهاردهم

هیچیک از اینان را نمی توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می کند.



اصل پانزدهم

هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شریعی و آن نیز پس از تعیین و تأیید قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم

ضبط املاک و اموال مردم به‌عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم

سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفان ایشان به‌هم‌عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هجدهم

تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم

تأسیس مدارس به‌مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون و وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالییه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم

عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال<sup>۱</sup> و مواد مضره<sup>۲</sup> به دین مبین آزاد و مجبزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهند<sup>۳</sup> یا نویسند<sup>۴</sup> بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسند<sup>۴</sup> معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع<sup>۲</sup> و موزع<sup>۳</sup> از تعرض

۱- کتب ضلال: کتاب‌های گمراه کننده

۲- مضره: زیان آور، مضر

۳- طابع: چاپ کننده

۴- موزع: توزیع کننده

مصون هستند.

### اصل بیست و یکم

اجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنهٔ دینی و دنیوی و محل به‌نظر نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدان‌های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند.

### اصل بیست و دوم

مراسلات پستی کلیتاً محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء می‌کند.

### اصل بیست و سوم

افشاء یا توقیف مخازن تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین می‌کند.

### اصل بیست و چهارم

اتباع خارجه می‌توانند قبول تبعیت ایران را بنمایند. قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت به موجب قانون جداگانه است.

### اصل بیست و پنجم

تعرض به مأمورین دیوانی در تقصیرات مراجعه به مشاغل آنها محتاج به تحصیل اجازه نیست مگر در حق و زراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.



## قوای مملکت

### اصل بیست و ششم

قوای مملکت ناشی از ملت است. طبقاً استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می نماید.

### اصل بیست و هفتم

قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می شود:

اول: قوه مقننه که مخصوص است به وضع و تخریب قوانین<sup>۱</sup> و این قوه ناشی می شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارند ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعی و تصویب مجلسین و توشیح<sup>۲</sup> به صحنه همایونی لکن وضع و تصویب قوانین مراجعه به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است.

دوم: قوه قضائیه و حکمیه که عبارتست از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعی در شریعت و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سوم: قوه اجراییه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام به توسط وزراء و مأمورین دولت به نام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء می شود به ترتیبی که قانون معین می کند.

### اصل بیست و هشتم

قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

### اصل بیست و نهم

منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک به تصویب اجمن های ایالتی و ولایتی به موجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تسویه می شود.

۱- تهذیب قوانین: اصلاح کردن قوانین

۲- توشیح: تأیید، توشیح کردن: مهر زدن یا امضا کردن پادشاهان و بزرگان بر فرمانها و نامهها، امضاء و تأیید کردن